

## صحيفة الحسن عليه السلام

[ 21 ] هنگامی که امام خواست از خانه بیرون رود مرغابی هایی که در خانه بودند بفریاد آمدند، امام حسن علیه السلام پیش آمد و گفت: چرا این وقت از خانه بیرون میروید، امام فرمود: خوابی که دیشب دیدم مرا بر این کار وا داشت، آنگاه امام خواب را نقل کرد و سپس فرمود: اگر تعبیرش ظاهر شود پدرت کشته شده و ماتم تمامی مردم مکه و مدینه را فرا می گیرد، سراپای امام حسن علیه السلام را وحشتی بزرگ فرا گرفت و اندامش بلرزید و پرسید: این فاجعه کی اتفاق می افتد؟ امام فرمود: خداوند در قرآن می فرماید: هیچکس نمی داند فردا چه بدست می آورد و در کدام سرزمین می میرد، ولی حبیب پیامبر خدا فرمود: این حادثه در دهه آخر ماه رمضان رخ داده و قاتلم پسر ملجم است، امام فرزندش را سوگند داد که بخانه باز کشته و بخوابد و امام حسن علیه السلام چاره ای جز ای اعت نیافت و امام در تاریکی سحرگاه از خانه به مسجد رفت (1)، حضرت علی علیه السلام آن شایسته ترین موجودی که بعد از پیامبر از آغاز تا پایان آن روزگار چهره نموده و عنصر یگانه ای که همه فضائل را حائز گردیده و سیرت پاکش از همه نقائص و آلودگی ها مبرا است بدست شقی ترین افراد، در محراب عبادت خون آلود بر زمین، مردم از هر سوی به مسجد شتافتند و با صدای بلند می گریستند، پیشاپیش همه فرزندانش بسوی پیکر خونین پدر روی آوردند، امام در محراب افتاده بود و گروهی می خواستند امام را برای نماز آماده کنند ولی امام توان حرکت نداشت، آن حضرت نگاهش به امام حسن علیه السلام افتاد و فرمود که \_\_\_\_\_ 1 :-  
در استیعاب آمده که امام حسن علیه السلام با پدرش از خانه بیرون رفت و از او جدا شد. (\*)

---